

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه‌ساز ظهور مهدی؛ اقدامات و اهداف

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد

نویسنده: کوشا فرهنگ

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۲/۱

کتاب را به امید پیدا کردن راه حلی اثباتی مرور کردم، اما آنچه حاصل شد تنها نفی دیگران بود! نویسنده بعد از این همه قلم‌فرسایی و بیان کلیات، تکلیف مسلمین را در عصر غیبت مشخص نکرده است که بالاخره چه کار باید بکنند. آیا باید دست از همه کارها کشیده و تحصن کرده و اعلام کنند تا مهدی علیه السلام نیامده از اعتصاب و تحصن خود دست نخواهند برداشت؟ اگر فرضاً اکنون زمام امور مسلمین به دست منصور خراسانی بیفتد برنامه عملی ایشان برای اداره‌ی جوامع اسلامی چیست؟

اشکال دیگر این است که ظاهراً ایشان نیز مانند دیگران مردم را به خود دعوت کرده‌اند در حالی که در کتاب به روشنی باطل بودن هر کسی که به خود دعوت کند را اعلام کرده‌اند و گفته‌اند تنها کسی که به حق می‌تواند دیگران را دعوت کند مهدی علیه السلام است و این خود به معنای وجود بن‌بست در امت آخر الزمان است که با کامل بودن اسلام در تضاد است.

آیا به راستی جهت تحقق مصداق حاکمیت خدا تا زمان تحقق حاکمیت مهدی علیه السلام، به جز حاکمیت فقیه مانند آنچه در ایران است (با همه اشکالات و نواقصی که دارد) حاکمیت دیگری قابل تصور است؟

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۲/۲

برادر ارجمند!

به نظر می‌رسد که جناب‌عالی کتاب شریف «بازگشت به اسلام» نوشته‌ی منصور هاشمی خراسانی را صرفاً «مرور» کرده‌اید و با دقت و تدبیر کافی «مطالعه» نکرده‌اید و از این رو، به برخی دقائق آن پی نبرده‌اید و دچار سوء برداشت شده‌اید. بی‌گمان این کتابی نیست که مرور اجمالی آن کافی باشد، بل کتابی است که به مطالعه‌ی تفصیلی و عمیق نیاز دارد. با این

بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

وصف، لازم است به نکات زیر توجه فرمایید:

اولاً پیام روشن و کلیدی این کتاب بزرگ، بر خلاف برداشت ناقص جناب‌عالی، تنها «نفی دیگران» نیست، بلکه «اثبات مهدی» و «نفی دیگران» است و این تجلی «لا إله إلا الله» و تفسیر «البیعة لله» است که شعار منصور هاشمی خراسانی و رکن دعوت اوست. همه‌ی سخن این عالم مصلح و مجاهد آن است که هیچ حکومتی جز برای الله نیست و مراد او از حکومت الله، بر خلاف مراد سخیف و نادرست خوارج، عدم حکومت انسان نیست، بل حکومت انسانی است که خداوند او را منصوب کرده و از طریق کتاب خود و سنت متواتر پیامبرش یا از طریق آیتی بیّنه، از انتصاب او خبر داده و او همان «مهدی» است که اکنون در زمین وجود دارد، ولی غایب است و علت غیاب او، بر خلاف پندار بیشتر مردم، اراده و اقدام ابتدایی خداوند نیست، بل اراده و اقدام ابتدایی مردم است که شرایط لازم برای ظهور او را فراهم نکرده‌اند و از این رو، مسؤول همه‌ی تبعات و عوارض ناشی از غیاب او هستند، اگرچه این تبعات و عوارض، «بن‌بست در امت آخر الزمان» تلقی شود؛ چراکه چنین «بن‌بستی» به «اسلام» نسبت داده نمی‌شود تا با «کمال» آن ضدیت داشته باشد، بل به مردم نسبت داده می‌شود که باعث و بانی آن بوده‌اند؛ «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»؛ «پس عبرت بگیرید ای صاحبان بینش‌ها!».

ثانیاً راهکار منصور هاشمی خراسانی برای ظهور و حاکمیت مهدی، راهکاری جامع با ابعاد امنیتی، فرهنگی و سیاسی است؛ چراکه او برای ظهور مهدی به معنای امکان دسترسی به او، وجود شماری کافی از مسلمانان قوی و امین به منظور محافظت از او در برابر خطرات احتمالی را ضروری می‌داند؛ با توجه به اینکه تنها علت عدم ظهور او به معنای عدم دسترسی به او را خوف او از کشته شدن یا اسارت می‌داند و معتقد است که در صورت تضمین امنیت او توسط این شمار از مسلمانان، ظهور او به معنای دسترسی به او حتمی خواهد بود. از این رو، به اقتضای وجوب عقلی و شرعی زمینه‌سازی برای ظهور او، در حال گردآوری شماری کافی از مسلمانان قوی و امین به منظور محافظت از او در برابر خطرات احتمالی است و از همه‌ی آنان مانند جناب‌عالی، برای این منظور یاری می‌طلبد؛ چراکه به نظر این عالم صدیق، ظهور مهدی در صورت تضمین امنیت او، حتی در صورت عدم امکان حاکمیت او، قطعی است؛ با توجه به اینکه میان ظهور او و حاکمیت او ملازمه‌ای نیست و ظاهر بودن او بدون حاکمیت او نیز سودمند است؛ بلکه ظاهر بودن او، مقدمه‌ای برای حاکمیت اوست؛ زیرا حاکمیت کسی که ظاهر نیست، مشکل است و با این وصف، زمینه‌سازی برای ظهور مهدی، مقدمه‌ی زمینه‌سازی برای حاکمیت اوست.

اما منصور هاشمی خراسانی زمینه‌ی حاکمیت مهدی را اجتماع شماری کافی از مردم برای اعانت و اطاعت او می‌داند و معتقد است که هرگاه این شمار از آنان، این اعانت و اطاعت را بر عهده بگیرند، قیام مهدی برای حاکمیت حتمی خواهد بود؛ چراکه حاکمیت تنها حقی برای او نیست، بلکه تکلیفی برای او نیز شمرده می‌شود، تا جایی که اگر پس از حصول شرایط برای آن قیام نکند، شایسته است که گردنش زده شود؛ با توجه به اینکه مسؤول همه‌ی مفاسد و مظالم جاری در زمین، کسی جز او نخواهد بود. از این رو، منصور هاشمی خراسانی، هم‌زمان با گرد آوردن شماری کافی از مسلمانان برای محافظت از مهدی، در حال گرد آوردن شماری کافی از آنان برای اعانت و اطاعت اوست و از همه‌ی آنان مانند جناب‌عالی، برای این منظور یاری می‌طلبد؛ چراکه به نظر این اعجوبه‌ی دوران، حاکمیت مهدی در صورت تضمین اعانت و اطاعت او، حتمی است و این تضمین در اسلام «بیعت» نامیده می‌شود. بر این اساس، منصور هاشمی خراسانی، از مسلمانان جهان برای مهدی بیعت می‌گیرد؛ به این معنا که از آنان تعهد می‌گیرد تا هرگاه مهدی برای آنان ظاهر شد، او را اعانت و اطاعت نمایند و مانند خلفایی که پیش از او بودند، خذلان و عصیان نکنند و با این تقریر، هرگاه شماری کافی از مسلمانان با او بر اعانت و اطاعت مهدی بیعت کردند، حاکمیت آن حضرت برایشان محقق می‌شود؛ همچنانکه هرگاه شماری کافی از آنان با او بر حفاظت از مهدی پیمان بستند، ظهور آن حضرت برایشان واقع خواهد شد.

این برنامه‌ی کامل و دقیقی است که از عقل صادر شده و با کتاب خداوند و سنت پیامبر او موافق است و هر کس از قبول آن استنکاف می‌کند، از اسلام بری است. «برای او در دنیا ذلت است و در آخرت عذابی شدید خواهد بود؛ چراکه از قبول حق ابا کرده و از راه آن بازداشته است، تا در زمین به جای عدالت ستم باشد و به جای آبادی ویرانی، تا کسانی که جز خداوند حکومت می‌کنند به حکومت خود ادامه دهند و حکومت خداوند مانند خیالی موهوم، تا ابد از ذهن بشر بیرون نیاید و هر کس که خداوند برایش راهنمایی قرار ندهد، برای او راهنمایی نخواهد بود».

ثالثاً از آنچه گذشت روشن شد که منصور هاشمی خراسانی بر خلاف توهم جناب‌عالی، به سوی «خود» دعوت نمی‌کند، بلکه آشکارا به سوی «مهدی» دعوت می‌کند؛ چراکه دعوت او به هم‌پیمانی برای حفاظت از «مهدی» و اعانت و اطاعت او، با هیچ تقریری دعوت به «خود» تلقی نمی‌شود و «دعوت به خود» نامیدن آن، مانند «شب» نامیدن «روز» است که چیزی جز تحکم در نام‌گذاری نیست. بی‌گمان کسانی به سوی «خود» دعوت می‌کنند که برای «خود» حق حاکمیت می‌شناسند و دیگران را به حفاظت، اعانت و اطاعت «خود» ملزم می‌دانند و جز حفظ حکومت «خود» همی ندارند؛ یا خودپرستانی که در باتلاق ادعاها فرو رفته‌اند و جز

اینم» و «من آنم» حرفی ندارند و جز برای اثبات «خود» نمی‌کوشند؛ همانان که خود را در ردیف پیامبران خدا می‌دانند و در عرض خلفاء او می‌شمارند و به نام‌های اولیاء او می‌نامند، در حالی که در نظر او از سوسکی بی‌فایده‌ترند!

رابعاً از آنچه گذشت روشن شد که «حاکمیت فقیه» نمی‌تواند مصداق «حاکمیت خدا» باشد؛ چراکه فقیه خدا نیست و خلیفه‌ی او در زمین شمرده نمی‌شود و با این وصف، حاکمیت خدا شمردن حاکمیت فقیه، دروغ بستن بر خدا و بر فقیه است! تنها مصداق حاکمیت خدا، حاکمیت خلیفه‌ی او در زمین است و اگر ایجاد حاکمیت خلیفه‌ی او در زمین دشوار است، ایجاد حاکمیت فقیه هم آسان نیست؛ چراکه ایجاد هر حاکمیتی، به زمینه‌سازی نیاز دارد و زمینه‌سازی برای هر حاکمیتی دشوار است. پس آیا سختی زمینه‌سازی برای حاکمیت فقیه را بر می‌تابند، ولی سختی زمینه‌سازی برای حاکمیت خلیفه‌ی خدا در زمین را بر نمی‌تابند؟! این چیست جز فرومایگی و کوتاهی فکر و سفاقتی که تا عمق ضمیر ناخودآگاه‌شان فرو رفته است؟! هنگامی که به سوی حاکمیت یکی از خود فرا خوانده می‌شوند تا ایجادش کنند، به سوی آن می‌شتابند و از یکدیگر پیشی می‌گیرند، بل «دست از همه‌ی کارها می‌کشند و تحصن می‌کنند» و اعلام می‌دارند که تا او به حکومت نرسد، «از اعتصاب و تحصن خود دست نخواهند برداشت»، ولی هنگامی که به سوی حاکمیت مهدی فرا خوانده می‌شوند تا آن را ایجاد کنند، سر باز می‌زنند و بهانه می‌آورند و می‌گویند «آیا باید دست از همه‌ی کارها کشیده و تحصن کرده و اعلام کنند تا مهدی علیه السلام نیامده از اعتصاب و تحصن خود دست نخواهند برداشت؟!». وای بر آنان! به فرض که چنین باشد! مگر همین کار را برای دیگران انجام نمی‌دهند؟! پس چرا آن را از مهدی دریغ می‌دارند؟! آیا مهدی در نظرشان از دیگران خوارتر است؟! در حالی که او به حکومت بر آنان از دیگران سزاوارتر است و از حکومتش بر آنان خیر و برکت و عدالت و سعادت می‌جوشد! چونانکه عبد صالح منصور هاشمی خراسانی سه سال پیش از فتنه‌ی شام فریاد زد و فرمود:

«هان! بدانید که افق مغرب، از ابرهای تیره تاریک است. به زودی توفانی سرخ بر شما خواهد وزید و سرزمین شما را در خواهد نوردید. نه سقفی باقی خواهد گذاشت که در زیر آن پناه گیرید و نه دیواری که در پس آن پنهان شوید! در آن زمان، امت محمد آرزو خواهد کرد که نیمی از جوانان خود را بدهد و در عوض، مهدی را در درّه‌ای از درّه‌های حجاز باز یابد!

هان، ای امت نادان! در پی چه می‌گردی؟! و به دنبال که می‌روی؟! پیشوای تو مهدی است. آرامش شب‌ها و خرمی روزهای تو مهدی است. شادی ماندگار و

شیرینی روزگارِ تو مهدی است. خوش بختی دنیا و رستگاریِ آخرت تو مهدی است. پس چه چیزی تو را از او باز داشته است؟! یا چه کسی تو را از او بی نیاز کرده است؟! ...

آیا می‌پندارید که در غیاب او، عدالت را خواهید دید و به شکوفایی خواهید رسید؟! یا می‌پندارید که در غیاب او، امنیت خواهید داشت و خوشبخت خواهید شد؟! نه به خدا سوگند، سپس نه به خدا سوگند؛ بلکه این آرزو را با خود به گور خواهید برد، همچنانکه گذشتگان آن را با خود به گور بردند! زیرا خداوند در غیبت گماشته‌اش خیری قرار نداده و در حکومت غیر او برکتی نیافریده است!

راست می‌گویم به شما: در غیبت او، شکم‌هاتان به پشت خواهد چسبید و بر روی خاشاک خواهید خوابید! صبح و شام غضبناک خواهید بود و آرزوی مرگ خواهید کرد! خانه‌های شما غیرمسکون و بازارهاتان تعطیل خواهد شد! زمین‌های زراعی خار خواهد رویاند و درختان میوه خشک خواهد شد! گلّه‌های دام پراکنده خواهند گشت و کسی نخواهد بود که آن‌ها را جمع کند. سرهای شما شپش خواهد گذاشت و دست‌هاتان خاکی خواهد بود! شهرهاتان ویران و روستاهاتان متروک خواهد شد! از کوچه‌های شما کسی عبور نخواهد کرد و درهای شما را کسی نخواهد زد! فئات‌های شما آب نخواهد داشت و در چاه‌های شما مار لانه خواهد نمود! در میادین‌تان گرگ خواهد چرخید و بر برج‌هاتان جغد خواهد نالید! بر پنجره‌هاتان عنکبوت تار خواهد تنید و در حوض‌چه‌هاتان وزغ خواهد خواند! در دژه‌های تاریک ساکن خواهید شد و به قلّه‌ی کوه‌ها پناه خواهید برد! در شکاف صخره‌ها پنهان خواهید شد و با چلپاسه‌های بیابان همنشین خواهید بود! از سرزمین‌های شما دود به آسمان خواهد رفت و آتش آن خاموش نخواهد شد! دشمنانتان بر شما مسلط خواهند گشت و شیاطینِ غرب و شرق شما را خواهند خورد! گریه‌ی کودکان‌تان را نخواهند شنید و بر پیران زمین‌گیرتان رحم نخواهند کرد! اموال‌تان را قسمت خواهند نمود و برای ناموس‌تان قرعه خواهند زد! مردگانتان را به خاک نخواهند سپرد، بلکه برای سگ‌هاشان خواهند گذاشت!

هان، ای مردم! برای آن‌چه در گرو لحظه‌هاست، شتاب نکنید! جهان به پایان خود نزدیک شده و زمان وعده‌ها فرا رسیده است. به زودی روزگارِ غیبت که رامش می‌پندارید، همچون شتری بهارمست رم می‌کند و دندان‌های تیزش را در چشم‌هاتان فرو می‌برد. به خدایی که جسم و جانم در دست اوست سوگند که آن‌چه می‌گویم

شعر نیست و اغراقی در گفتار شمرده نمی‌شود. زودا که دیگِ جهان به جوش آید و رود زمان به خروش گراید و آسیاب فتنه را بگرداند و سنگِ آشوب را بچرخاند. خطر! خطر! آگاه باشید که به هیچ یک از شما رحم نخواهند کرد! گوشه‌گیرترین شما را نیز خواهند آورد و کره و دوغش را خواهند گرفت. هنگامی که داسِ فتنه فرود آید، ایستاده درو شود و نشسته خُرد گردد. خطر! خطر! امروز که فرصتی دارید، دین خود را بردارید و بگریزید! اگر حق را با من یافتید به سوی من بیایید، اگر چه چهار دست و پا بر روی برف؛ چراکه من شما را به سوی مهدی رهنمون خواهم شد و اگر مرا نخواستید و خوش نداشتید که به سوی من بیایید، پس بروید و تا می‌توانید دور شوید، اگر چه دور نتوانید شد؛ چراکه به خدا سوگند، اگر در پشتِ ستارگان آسمان پنهان شوید، باز هم شما را می‌یابند و می‌آورند و رسوایتان می‌سازند؛ چرا که این کار چونانکه شما پنداشته‌اید، آسان نیست، بل گرفتاری و بلایی بس بزرگ است که پیر را بی‌تاب و جوان را بی‌خواب می‌کند»^۱.

این‌ها فریادهای عالمی بزرگ و دلسوز است که آشکارا به سوی مهدی دعوت می‌کند و از تبعات هولناک استمرار غیبتش خبر می‌دهد؛ تبعات هولناکی که این روزها طلیعه‌های آن را در غرب جهان اسلام مشاهده می‌کنیم، ولی باز هم از خواب غفلت بیدار نمی‌شویم و به سوی منجی خود باز نمی‌گردیم! به راستی اگر کاری که منصور هاشمی خراسانی می‌کند، زمینه‌سازی برای ظهور مهدی نیست، پس زمینه‌سازی برای ظهور مهدی چیست؟!؟

خداوند همه‌ی مسلمانان جهان را توفیق بیداری و رشد دهد؛ چراکه او بسیار بخشاینده و مهربان است.



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی
مجلس خبری رهبرای



۱. گفتار ۱

بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی حفظ الله تعالی



صفحه یوتیوب کانال

صفحه اینستاگرام کانال

صفحه تلگرام کانال

صفحه فیس‌بوک کانال

لینک وبسایت

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.